



شصت سال خدمت و مقاومت
خاطرات مهندس مهدی بازرگان
در گفتگو با سرمنگ غلامرضا نجاتی

جلد دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاطرات

بازرگان

شصت سال خدمت و مقاومت

جلد دوم

سرہنگ غلامرضا نجاتی



مؤسسہ خدمات فرهنگی رسا



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

صندوق پستی ۵۹۱۹-۱۵۸۷۵ تلفن: ۵-۸۸۳۴۸۴۴ فاکس: ۸۸۳۸۱۲۵۸

از این کتاب تعداد ۵۰۰۰ نسخه در چاپخانه معراج چاپ گردید.

چاپ اول / ۱۳۷۷

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک ۰-۳۰۷-۳۱۷-۹۶۴ ISBN 964-317-307-0

مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

تهران- خیابان استاد مطهری، نرسیده

به تقاطع دکتر مفتح- ساختمان ۲۳۴

تلفن ۵-۸۸۳۴۸۴۴ فاکس ۸۸۳۸۱۲۵

فهرست مطالب

۱..... اشاره

فصل اول یادداشت‌های دوران زندان (۷ تا ۱۵۶)

۷.....	بخش یکم - در زندان قزل‌قلعه.....
۱۴.....	شروع دهمین ماه زندان.....
۱۶.....	بخش دوم - در زندان قصر (برای دومین بار).....
۱۹.....	انتقاد از یکی از وکلای مدافع.....
۲۴.....	دادگاه تجدیدنظر.....
۲۵.....	اولین جلسه دادگاه تجدیدنظر.....
۲۹.....	بخش سوم - یادداشت‌های سال ۱۳۴۳.....
۳۱.....	رویدادهای مهم ده ماهه.....
۴۴.....	بخش چهارم - سال ۱۳۴۴.....
۴۵.....	ورود به سومین ماه سومین سال.....
۶۳.....	بخش پنجم - محاکمه و کلاهی مدافع سران نهضت آزادی ایران.....
۶۳.....	متن کیفرخواست برای وکلای مدافع نهضت آزادی ایران.....
۶۶.....	مستندات کیفرخواست.....
۷۰.....	خلاصه مکاتبات تا قبل از شروع دادرسی.....
۱۴۰.....	بخش هفتم - سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶.....

۴ _____ شصت سال خدمت و مقاومت

- بخش هشتم - آخرین بخش یادداشت‌های بازرگان در زندان ۱۴۶
ورود به پنجمین ماه پنجمین سال ۱۵۰
ورود به دهمین ماه سال پنجم ۱۵۴

فصل دوم

نهضت آزادی ایران در خارج از کشور (۱۵۷ تا ۲۰۷)

- بخش یکم - در تدارک سازماندهی ۱۵۷
مصاحبه با آقای دکتر ابراهیم یزدی ۱۵۷
بخش دوم - سازمان مخصوص اتحاد و عمل ۱۷۳
ارتباط با نجف ۱۹۵

فصل سوم

ده سال مبارزه دشوار (۲۰۹ تا ۲۴۶)

- بخش یکم - نخستین اعتراض علنی علیه شاه ۲۰۹
نامه سرگشاده دکتر حاج سیدجوادی ۲۰۹
بخش دوم - نامه سرگشاده با سه امضا ۲۱۵
پاسخ به مدعی ۲۲۲
بخش سوم - کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ۲۲۶
بخش چهارم - عملیات کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر ۲۳۲
واکنش دولت آموزگار به نام کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر ۲۳۳
بمب‌گذاری در منازل پنج تن از مؤسسين جمعیت دفاع از آزادی ۲۳۶
نامه به شاه به عنوان مسئول جریان‌ها در مملکت و عملیات دولت ۲۳۷
انتخاب اعضای کمیته اجرایی ۲۳۸
مصاحبه‌ی مهندس بازرگان با خبرنگار تلویزیون بلژیک ۲۴۲

فصل چهارم

تجدید فعالیت نهضت آزادی ایران (۲۴۷ تا ۲۹۴)

- بخش یکم - چرا شاه نرود؟ ۲۴۷
بخش دوم - دیدار و مذاکرات بازرگان با آیت‌الله خمینی ۲۵۲
ملاقات با آیت‌الله خمینی ۲۵۳

۵	فهرست مطالب
۲۵۸	دیدار دکتر سنجابی با آیت الله خمینی.....
۲۶۷	بخش سوم- مواضع بازرگان پس از بازگشت از پاریس.....
۲۶۷	آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقع بین باشد؟.....
۲۷۶	بخش چهارم- مأموریت خوزستان.....
۲۸۸	بخش پنجم- شورای انقلاب.....

فصل پنجم دو عامل سرنوشت ساز (۲۹۵ تا ۳۵۰)

۲۹۵	بخش یکم- نفوذ در نیروهای مسلح.....
۲۹۹	بازگشت امام خمینی.....
۳۰۲	بخش دوم- تماس ها و مذاکرات محرمانه.....
۳۰۷	بخش سوم- طرح استعفای بختیار.....
۳۱۱	از زبان دکتر بختیار.....
۳۱۶	بخش چهارم- ارتش در سرایشی فروپاشی.....
۳۱۶	رویدادهایی که ارتش را به فروپاشی کشانید.....
۳۱۷	نخستین پیام به ملت ایران.....
۳۱۹	یک کشور و دو دولت.....
۳۲۲	آغاز نبردهای خیابانی.....
۳۳۰	بخش پنجم- گفتگو با مهندس امیرانتظام.....
۳۴۵	بخش ششم- یادداشت های بازرگان.....
۳۴۷	۲۲ بهمن ۱۳۵۷.....

ضمائم (۳۵۱ تا ۵۰۶)

۳۵۳	اسناد.....
۴۸۹	تصاویر.....
۴۹۳	فهرست اعلام.....

«به حقیقت چو نکو درنگری انسان بود»

هر که در راه خدا همسفر ایمان بود
در ره سلطنت ار منکر دین پای فشرد
ور به نیرنگ و ریا مدعی ایمان گشت
نه هر آن مرد که زد تکیه بر اورنگ جلال
ای بسا سفله که چون شد ز قضا قاضی شهر
ای بسا کس که زد لاف مسلمانی لیک
راه و رسم بشر است آنچه در ایام بماند
ایمن از وسوسه‌ی راهزنی شیطان بود
در بر مؤمن مخلص، قدمش لرزان بود
عاقبت یافت ظهور آنچه درو پنهان بود
در خور مدح و سزاوار بهین عنوان بود
در خور سرزنش مردم شارسران* بود
گُفر از اعمال شنیعش همه در افغان بود
ورنه این پیکر خاکی به جهان مهمان بود

* * *

دانشی مردی در حد نود سال از عمر
لاغر اندامی، لاغر تنه با عقل سلیم
سال‌ها معرفت آموخت بدانشگه دین
عالم علم زمان گشت و در انواع فنون
بود دریا دل و مستغرق مهر و وطنش
سال‌ها در ره آزادی ایران جنگید
نهراسید ز کین تیزی سلطان و امیر
معارض بود بکار شه و زین جرم عظیم
بودمش همقدم از دیرزمان گاه نبرد
همه در فکر صلاح وطن و عمران بود
دردها را به وطن چاره گر درمان بود
گاه شاگرد و گه استاد ره آموزان بود
رنج‌ها بُرد ولی مکتب او «قرآن» بود
موج خیز دل دریایی او «ایران» بود
سازوبرگش قلم و اسلحه‌اش ایمان بود
بل هراسنده ز حق گویی او سلطان بود
در پی «راه مصدق» که یل میدان بود
با قدا فراختگان همدم و همسامان بود

*. شهرستان

در ره نهضت ملی شدن صنعت نفت دل پر از شور وطن، راهی آبادان بود
انقلابی هم اگر گشت نرفت از پی چاه نقدها کرد و هر آن لطمه که خورد از آن بود
لب نبست از پی حق گویی و کام خطر گفتنی گفت و چو شیری به ففس غران بود
نقد عمر از کف اگر داد ولی نام اندوخت این نکونام زمان «مهدی بازرگان» بود
تریت یافت ز اسلام و به بازی نگرفت همچو طفل آنچه درین طرفه دبیرستان بود

پس همان به که به کوتاه سخن گویم «ادیب»

به حقیقت چو نکو در نگری انسان بود

ادیب برومند

تهران - اسفندماه ۱۳۷۳

«ای نقطه‌ی وصل دانش و دین»

در خدمت علم و دین به سر کرده
با جهل، نبرد شیر نر کرده
ناورد بتان خیره سر کرده
با منطق و دقت نظر کرده
همسازی دین و علم سر کرده
پیوند ظریف مستقر کرده
بر نسل جوان میهن اثر کرده
اعجاز سپیده‌ی سحر کرده

در نقش و رسالتش هنر کرده
وز فضل و کمال بهره‌ور کرده
بس غافل و بی‌خبر خیر کرده
بر نفس فزون طلب ظفر کرده
وی خلعت راستی به بر کرده
یک عمر ستاده و خطر کرده
از خامه‌ی تیز نیشتر کرده
دل داده، تلاش پر ثمر کرده
همراهی پیر نامور کرده
آماج سنان جانشکر کرده
بنیاد نهاده، بارور کرده

ای عمر حیات بخش و نورافشان
ایمان و خرد، بر آشتی خوانده
اسلام‌شناس نامی دوران
احیای تفکرات اسلامی
در پهنه‌ی دین گریز دانشگاه
در بین خدا و فکر دانشجو
با سحر بیان و کار و پیکارش
در نشر پیام و پرتو قرآن

ای نقطه‌ی وصل دانش و ایمان
بس گوهر تابناک پرورده
بس قافله‌ها به حق گرایانده
انسان شریف و پاک آزاده
ای فخر تبار دانش و تقوا
در مرز سیاست و وطن‌خواهی
ای بر دل دشمنان آزادی
ای نهضت ملی و مصدق را
ای در ره طرد غول استعمار
ای قلب سیاه دیو استبداد
ای نهضت سرفراز آزادی

ای پیوش انقلاب ایران را
پی‌ریزی دولت موقت را
تا باز رهانده کشتی از توفان
ره کوفته، سینه را سپر کرده
در جو خطیر و پر خطر کرده
یاران و خود از تنش به‌در کرده

ای سوی بهشت جاودان، هجرت
استاد سحابی و عزیزان را
صد سلسله دل کشیده در ماتم
اسلام و وطن ز سوگ بازگان
چون مهر ز مرز باختر کرده
دل خسته و خار در جگر کرده
صد قافله جا پر از شرر کرده
پوشیده سیاه و دیده، تر کرده

بدرود و درود ملت ایران
بر روح بلند آن سفر کرده

حسن احمدی گیوی
۱۳۷۳/۱۱/۲

اشاره

در پیش‌گفتار جلد نخست خاطرات زنده‌یاد مهندس بازرگان که در آذرماه ۱۳۷۵ انتشار یافت، توضیح داده شد که مطالب مورد بحث در پنج دوره پیش‌بینی و تنظیم شده است که سه دوره آن، از خانه پدری تا محاکمه و محکومیت رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران، در دادگاه نظامی، با روش مصاحبه و گفتگو صورت گرفت. پس از درگذشت ناگهانی مهندس بازرگان، ناگزیر شیوه کار تغییر کرد و ادامه و تکمیل این مهم مستلزم بررسی و تحقیق گسترده با استفاده از اسناد و مدارک مختلف، یادداشت‌های مهندس بازرگان و نیز مصاحبه با همکاران وی در نهضت آزادی و دولت موقت، از سال‌های آخر دهه ۱۳۴۰ تا درگذشت آن مرحوم در پایان دی ۱۳۷۳ بود. در ضمن در پیش‌گفتار جلد نخست گفته شد که در جریان گفت و شنود مربوط به سه دوره مورد بحث، اغلب «گریزی» به رویدادهای سال‌های پس از آزادی از زندان به ویژه دوران بعد از پیروزی انقلاب می‌زدیم و پیرامون آن حوادث صحبت می‌کردیم.

بدین ترتیب جلد دوم کتاب، از خاطرات دوران ۵۷ ماهه زندان‌های قزل‌قلعه، قصر و برازجان شروع می‌شود؛ و یادداشت‌های روزانه مهندس بازرگان در دوران اسارت، آزادی از زندان، عملیات نهضت آزادی در اروپا و آمریکا، ادامه‌ی مبارزه از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۵۰، نقش بازرگان در مبارزات ضد استبدادی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و سرانجام پیروزی انقلاب، از اهم مطالب این کتاب است.

جلد سوم، شامل نخست‌وزیری و تشکیل دولت موقت، مشکلات و مسایل دوران زمامداری نُه ماهه، درگیری و رویارویی با جناح‌های مذهبی در تکاپوی دستیابی به قدرت، برخورد با گروه‌های چپ و راست، چریک‌های فدایی و مجاهدین، ماجرای اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری، استعفا از نخست‌وزیری، نمایندگی دوره اول مجلس در نقش اپوزیسیون و با عنوان دبیرکل نهضت آزادی ایران و سرانجام،

سال‌های مبارزه و مقاومت تا درگذشت وی در پایان دی ۱۳۷۳، از مطالب عمده خواهد بود، که با روش تحقیق و استفاده از اسناد دست اول و مصاحبه با همکاران نزدیک شادروان مهندس بازرگان تهیه و تنظیم شده است.

خاطره‌نگاری معمولاً با سه روش انجام می‌شود:

بر مبنای یادداشت‌های منظم: در این روش اگر خاطره‌نگار رویدادهای مهم روزانه را با دقت، صداقت، تیزبینی و صراحت نوشته باشد، یادداشت‌های او می‌توان به عنوان سند ارزشمند تاریخی تلقی گردد و مورد استفاده پژوهشگران و مورخان قرار گیرد. این نکته را نیز باید در نظر گرفت، که برای تأیید اسناد باید تصویر اصل همه اسناد یا بخش مهم آنها در کتاب چاپ شود و محل بایگانی آنها نیز مشخص گردد. در ارایه این روش می‌توان به یادداشت‌های دکتر محمد مصدق، دکتر قاسم غنی و ناصر خان قشقایی اشاره کرد.

خاطره‌نگاری بر مبنای مصاحبه: در این روش که به شیوه پرسش و پاسخ است، در صورتی که نویسنده و تدوین‌کننده خاطرات، با آگاهی کافی از تاریخ معاصر و بهره‌گیری از اسناد و مدارک و نیز پژوهش در زمینه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی صاحب‌خاطره وارد عمل شود و با پرسش‌های لازم به استخراج دانسته‌ها و داوری‌های او بپردازد، می‌تواند محصولی ارزنده و ماندنی بیار آورد. امتیاز دیگر این روش آن است که صاحب‌خاطرات در توضیح و توجیه اعمال خود، به ویژه در عرصه‌ی سیاست، تنها به قاضی نمی‌رود، همچنین طرح و انتخاب موضوع‌های مورد بحث و سؤال برانگیز در اختیار او نیست. در میان خاطراتی که قبل از انتشار جلد نخست خاطرات مهندس بازرگان، با روش مصاحبه صورت گرفته و می‌توان به عنوان نمونه از آنها نام برد، خاطرات ایرج اسکندری و خاطرات مهدی خان‌بابا تهرانی است.

خاطره‌نگاری بر مبنای حافظه: این روش که مرسوم‌ترین نوع خاطره‌نویسی در ایران است، معمولاً به دو طریق انجام می‌شود؛ نگارش توسط شخص علاقه‌مند به خاطره‌نویسی و یا تقریر خاطرات خود به دیگری به منظور تحریر و تدوین آن. بی‌تردید هر دو روش مزبور در مقایسه با دو سبکی که در بالا گفته شد (یادداشت‌های منظم و مصاحبه) از دقت و اعتبار کمتری برخوردار است، به ویژه اگر صاحب‌خاطرات، قصد ارایه یک تصویر زیبا از زندگی فردی و اجتماعی خود داشته باشد و از این رهگذر موضع «خودمحوری» و یا «دفاع از خود» را اختیار نماید و حتی در مواردی، برای رفع و رجوع اشتباهات و خطاهای خود، دیگران را متهم و مخدوش کند.

همچنین است اگر نویسنده و تدوین کننده‌ی چنین خاطراتی، صرفاً در نقش «محرر» یا «منشی» باشد و از خود نظریه‌ای ابراز ننماید. نمونه نوع اول: خاطرات نورالدین کیانوری، «کژراهه» نوشته احسان طبری، خاطرات (؟) ارتشبد حسین فردوست، خاطرات احمدعلی مسعود انصاری و آخرین آن: رویدادها و داوری، خاطرات دکتر مسعود حجازی است.

نمونه بارز نوع دوم (تقریر خاطرات به شخص دیگر) کتاب «پاسخ به تاریخ» از محمدرضا پهلوی است که به «مارک مورس»^۱ دستیار شاه در تبعید تقریر شده است. کتاب‌سازی: افزون بر سه روشی که گفته شد، در سال‌های اخیر نوع تازه‌ای از «خاطره‌نویسی» زیر عنوان «زندگینامه و خاطرات» معمول شده است؛ بدین ترتیب که افرادی بدون کسب اجازه از رجال، دولتمردان و شخصیت‌هایی که اغلب در خارج از ایران بسر می‌بردند و یا در گذشته‌اند (حتی بدون اطلاع بازماندگان‌شان)، پیرامون زندگی سیاسی و اجتماعی و حتی زندگی خانوادگی و خصوصی آنان قلم‌فرسایی می‌کنند. هدف اینگونه نویسندگان، صرفاً «کتاب‌سازی» و به منظور کسب «نام و نان» است. اینگونه نویسندگان با آزادی عمل می‌توانند کسانی را برکشند و کسانی را متهم و مخدوش و بی‌اعتبار کنند.

ویژگی عمده اینگونه «زندگینامه‌نویسی» در این است که تقریباً همه اشخاص مورد تهاجم، سران، وابستگان رژیم گذشته و یا محکومیت و مغضوبین نظام حاکم هستند و چون برای آنها معمولاً امکان دفاع از خود و خانواده‌شان در محاکم حقوقی دشوار است، آنها نیز با استفاده از امکانات موجود در خارج از کشور، به پاسخگویی می‌پردازند و مدعیان را مورد حمله و اتهام قرار می‌دهند.

نمونه بارز اینگونه «کتاب‌سازی» در ایران «زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا» و زندگینامه «سپهد فضل‌الله زاهدی» است.^۲

1. Mark Morse

۲. در کتاب زندگینامه امیرعباس هویدا، که حدود ۱۳ سال عنوان نخست‌وزیری را عهده‌دار بوده، ضمن شرح زندگی خانوادگی و فعالیت‌های اداری و سیاسی وی گفته شده است که «... در دوران نخست‌وزیری با برخی از وزیران کابینه‌ی خود ارتباط جنسی داشته است!...» نویسنده کتاب «زندگینامه سپهد زاهدی» عامل اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را «چهره بسیار معروف» و «میهن‌خواه» که مدت ۴۰ سال در صحنه سیاسی ایران «خدمت» کرده، توصیف نموده است. وی در توجیه «خدمات و میهن‌دوستی» فضل‌الله زاهدی چنین نوشته است «... او عامل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ارزش هر خاطراتی، علاوه بر اهمیت شخصیت و وزن اجتماعی صاحب خاطره و دامنه درگیری‌های او در رویدادهای گوناگون، به ویژه در صحنه سیاست، به عوامل متعدد دیگری نیز وابسته است، لذا محقق باید در زمینه سنجش میزان ارزش داده‌ها و باورهای صاحب اثر و نیز ارزیابی دیدگاه اجتماعی و سیاسی او از توانایی کافی برخوردار باشد.

نویسنده در مسیر تدوین این مجموعه پژوهشی در مجلدات دوم و سوم از سه منبع بهره برده است:

۱) بخش عمده‌ای از یادداشت‌های دست‌نوشته روزانه زنده‌یاد مهندس بازرگان در زندان‌های قزل‌قلعه و قصر است، که از سوی آقای مهندس عبدالعلی بازرگان جمع‌آوری و تنظیم شده است. متأسفانه قسمت‌هایی از این یادداشت‌ها، در جریان تهاجم به دفتر نهضت آزادی ایران از میان رفته است. تلاش برای دستیابی به یادداشت‌های مربوط به هفت ماه زندان برازجان نیز به علت خیانت یکی از زندانیان سیاسی پس از آزادی، که قرار بود آنها را به خانواده بازرگان تحویل دهد، به نتیجه نرسید.

یادداشت‌های مرحوم بازرگان در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ به ویژه از شهریور تا پایان بهمن ۱۳۵۷ به لحاظ رویدادهایی که منجر به پیروزی انقلاب گردید، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ مسافرت مهندس بازرگان به پاریس، ملاقات و مذاکره با آیت‌الله خمینی پیرامون هماهنگی ساختن برنامه مبارزات علیه رژیم شاه، تشکیل شورای انقلاب در تهران، فعالیت‌های سیاسی برای وادار ساختن دکتر شاپور بختیار به کناره‌گیری، مذاکرات با سران ارتش و رئیس سازمان امنیت، برای پیوستن نیروهای مسلح به انقلاب و سرانجام نخست‌وزیری دولت موقت، از مطالب عمده جلد دوم است.

یک بخش مهم از این یادداشت‌ها را، که در زمره مهمترین اسناد تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود، شادروان مهندس بازرگان پیش از آخرین سفر به اروپا (اوایل دی ۱۳۷۳) به نگارنده سپردند. شماری از این اسناد برای نخستین بار در این مجلد

بود که مقامات امنیتی و سیاسی آمریکا، طراح آن بودند [...] به گفته یکی از نزدیکانش در حدود چند میلیون دلار در بانک‌های خارج پس‌انداز داشت...» (زندگینامه سیهب زاهدی، تألیف ابراهیم صفایی، انتشارات علمی، ۱۳۷۳، صفحات ۲۱۴ تا ۲۱۶)

چاپ می‌شود و چند سند دیگر در جلد سوم خواهد آمد. یادداشت‌های زنده‌یاد مهندس بازرگان، گذشته از اهمیت مطالب آن به لحاظ تیزبینی و نیز صداقت، صراحت، سادگی بیان و پرهیز از «خودمحوری» کم نظیر است.

۲) سه جلد یادداشت‌های آقای دکتر مهدی جعفری در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵، که آنها نیز در زمره‌ی اسناد تاریخی به شمار می‌روند و شامل رویدادهای مهم داخل زندان و اخبار خارج می‌باشد، مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است.

۳) به جبران از دست رفتن یادداشت‌های مهندس بازرگان مربوط به دوران زندان در برازجان که شرح آن گذشت، و به منظور آگاهی از چگونگی تبعید نهضتی‌ها از زندان قصر به برازجان و رویدادهای ناشی از آن در دوران هفت ماه و نیمه و سرانجام ماجرای بازگرداندن زندانیان به تهران، با آقای مهندس عزت‌الله سبحانی، که در جمع زندانیان تبعیدی بوده‌اند گفتگو کرده‌ایم. در این بخش از خاطرات جالب و منتشر نشده‌ی آقای محمد علی عمویی، یکی از سران نامی حزب توده ایران در ارتباط با «همبندان نهضت آزادی» در در برازجان نیز استفاده شده است.

۴) آقای دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، اسناد و یادداشت‌های ارزنده‌ای در زمینه فعالیت‌های نهضت در اروپا و آمریکا، طی دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در دسترس نگارنده گذارده‌اند. همچنین در یک مصاحبه اختصاصی پیرامون عملیات نهضت آزادی در آمریکا، اروپا و خاورمیانه، ایجاد انجمن‌های دانشجویی در اروپا و آمریکا، تشکیل سازمان «سماع» و اعزام افراد برای کسب آموزش چریکی به مصر، ارتباط نهضت آزادی با سازمان مجاهدین خلق ایران، فعالیت‌ها و مبارزات نهضت در لبنان و کشورهای اروپا، ارتباط با نجف و رویدادهای مهم پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷، گفتگو به عمل آمده است.

۵) آقای عباس امیرانتظام، معاون نخست‌وزیر دولت موقت، که در فعالیت‌های مربوط به استعفای دکتر بختیار نقش مهمی به عهده داشته است در روشنگری برخی از زوایای پنهان رویدادهای پیش از پیروزی انقلاب، نویسنده را یاری کرده‌اند.

در این مجموعه از همکاری آقایان صدرحاج سیدجواد و دکتر رضا رئیس طوسی هماهنگ کننده عملیات و اعزام افراد از ایران به اروپا و مصر، و نیز آقایان مهندس محمد توسلی و دکتر غلامعباس توسلی، که از فعالان نهضت در اروپا و خاورمیانه بوده و در عملیات سازماندهی و مبارزاتی نقش عمده داشته‌اند، بهره‌مند

شده‌ام. آقای مهندس ابوالفضل حکیمی، با سابقه همکاری طولانی با مهندس بازرگان و از یاران دوران زندان رهبران نهضت آزادی، اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار نویسنده قرار دادند. آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان و محمد نوید بازرگان نهایت همکاری را به عمل آوردند.

نویسنده از تمامی کسانی که با ارسال نامه و پیام او را مورد لطف و تشویق قرار داده‌اند، سپاسگزار است. اگر بخواهیم نام همه آنها را بنویسم به فهرست بلندی نیاز دارم، اما وظیفه خود می‌دانم از دیگر کسانی که در تألیف این کتاب نقش اساسی داشته‌اند یاد کنم:

کوشش‌های آقای محمدرضا ناجیان، مدیر مؤسسه فرهنگی رسا و همکارانشان در چاپ و انتشار این مجموعه نیاز به توصیف ندارد و شایان سپاسگزاری است. آقای حمید هادیزاده‌مقدم، ویرایش فنی و تصحیح کتاب را عهده‌دار بوده است. کار حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، استخراج و تنظیم فهرست اعلام توسط کامپیوتر در مؤسسه آزمون به وسیله آقای فرشید جم، زیر نظر آقای فریدون هادیان انجام گرفت. دوست گرامی آقای حسین ناظم‌زاده در ویراستاری کتاب، نقش سازنده داشت. و سرانجام، اگر آراستگی ظاهر کتاب و پیراستگی محتوای آن مورد توجه خوانندگان قرار گیرد، مرهون زحمات و همکاری همه کسانی است که از آنها نام برده شد، نقایص و کاستی‌های آن به عهده من است. باشد که این کوشش و همکاری دسته‌جمعی ما به عنوان پاسخ کوچکی در برابر خدمات بزرگ و فراموش نشدنی مهندس بازرگان قبول افتد و این مجموعه گوشه‌ای از تاریخ ایران زمین شود و روان او را شاد گرداند.

اردیبهشت ۱۳۷۶

غلامرضا نجاتی

تهران، صندوق پستی ۳۶۶۲-۱۵۸۷۵